

## پدیده موسوم به عشق مکتوم (کراش) در حقوق کیفری ایران

| مجتبی ملک‌افضلی اردکانی\* | استادیار بخش حقوق، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ،

دانشگاه یزد، یزد، ایران

| راضیه عبادی‌نیا | دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد

اسلامی، یزد، ایران

### چکیده

زمینه: کانال‌ها و صفحات مجازی موسوم به «کراش» به‌ویژه در میان جوانان و دانشجویان ایرانی در حال رواج است و اعضای آن‌ها با بیان مشخصه‌های رمزآلود یک نفر از جنس مخالف و بدون نام بردن از او یا درج چهره کامل یا واضح وی، تمایل خویش برای دوستی با او را ابراز می‌کنند. مغایرت‌های پیدا و پنهان این رفتارها با نظام ارزشی حاکم بر جامعه ایرانی نگرانی‌هایی را در میان متولیان امر در دانشگاه‌ها و در سطح جامعه برانگیخته است؛ به‌گونه‌ای که دستگاه‌های انتظامی و قضایی در حال ورود به این موضوع و برخورد با کنشگران آن به‌ویژه ایجادکنندگان و مدیران آن‌ها هستند. حادث بودن این کنش اجتماعی و نبود تجربه حقوقی و قضایی در نقد و قضاوت آن، نگارندگان را بر آن داشت تا پیش از صدور آرای متشدد و احتمالاً برخورد غیرحقوقی دستگاه‌های مذکور، در ساحت حاکمیت «اصل قانونی بودن جرم»، میزان انطباق آن را با عناوین مجرمانه مختلف بررسی کنند.

روش: روش این تحقیق، توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از پژوهش میدانی است.

یافته‌ها: رفتار اعضای کانال‌ها و صفحات کراش با جرایم موضوع مواد ۶۴۱ (مزاحمت تلفنی) و ۶۳۸ (تظاهر به فعل حرام) از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی انطباق دارد ولی - با وجود برخی اقتران‌ها - نمی‌توان آن‌ها را مصداقی از مواد ۶۳۷ (رابطه نامشروع و اعمال منافی عفت)،

۶۳۹ (ایجاد و اداره مرکز فساد و فحشاء و تشویق به آن)، ۱۳۰ (سردستگی گروه مجرمانه) و ۱۴۲ (مسئولیت نیابتی) دانست. همچنین ایجادکنندگان، مدیران و تبلیغ‌کنندگان این صفحات و کانال‌ها - با احراز همه شرایط - به عنوان معاون جرایم پیش‌گفته قابل تعقیب کیفری هستند.

**واژگان کلیدی:** کراش، فضای مجازی، حقوق کیفری ایران، اصل قانونی بودن جرم.

### مقدمه

نحوه تعامل میان زن و مرد بیگانه از دیرباز یکی از مسائل جوامع هنجارمدار و از جمله جامعه ایرانی بوده است. در کنار هنجارهای عرفی، شرع اسلام نیز با مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها به مراتب بر ظرافت این تعامل افزوده است. طبعاً بیشترین دشواری در مدیریت این موضوع مربوط به بازه زمانی میان بلوغ و ازدواج و بیش از همه، سال‌های تحصیل در دانشگاه است؛ پس از سال‌های تک‌جنسیتی مدرسه، دانشگاه فاصله فیزیکی میان پسران و دختران را از میان برداشته و مواجهه‌های بسیار کوتاه در مکان‌های عمومی، جای خود را به مصاحبت‌های روزی چند ساعت در برنامه‌های رسمی و غیررسمی دانشگاه می‌دهد. در کنار ابزارهای ارتباطی نسل‌های قبلی، امروزه فضای مجازی و پیام‌رسان‌های گوناگون نیز در خدمت انسان‌ها به‌ویژه جوانان قرار گرفته‌اند؛ تا جایی که با وجود مجموعه‌ای متنوع از ابزارهای گفتگو بعید است بتوان کسی را ناتوان از برقراری ارتباط با دیگران دانست. حرف‌های کمتری در گنجینه دل‌ها باقی می‌ماند تا به گور برود! دیگر کمتر احساسی مکنون و پرده‌نشین است؛ همه در میانه بازانند! حتی عشق‌های یکسویه و نظربازی‌های نکوهش شده دیروزی هم مجال بروز یافته‌اند و «کراش» فرصتی به دست داده که عاشقان کم‌رو و دل‌خسته تا نظربازان حرفه‌ای گرد هم آیند و با میزبانی صفحات و حساب‌ها و کانال‌های گوناگون فضای مجازی به ابراز وجود بپردازند.

فضای مجازی در کشور ما چندسالی است میزبان این پدیده وارداتی از مغرب‌زمین می‌باشد. اعضای صفحات و کانال‌های کراش با درج مشخصاتی از فرد مورد علاقه همچون قسمتی از نام و نام خانوادگی، قسمتی از عکس یا شناسه کاربری وی علاقه خود به او را ابراز می‌کنند. آن‌ها خلایق خود را نیز به‌کار گرفته و واژه‌های گوناگونی نیز برای این ارتباط جعل کرده‌اند؛ برای مثال می‌توان از «کراشر» به معنای کسی که ابراز عشق می‌کند و «مکروش» به معنای شخص طرف کراش یا همان شخص محبوب و معشوق یاد کرد؛ ملغمه‌ای از واژگان، اسلوب‌ها و ساختارهای زبانی انگلیسی، عربی و فارسی که به‌خوبی گویای حس هنجارگریزی دوران جوانی است که البته در این نوشته نیز گاهی برای تسریع در انتقال مطلب، همین واژگان به‌کار می‌رود.

پیام‌های درج شده گاه بی‌پاسخ نمی‌ماند و این آغازی است بر پیمودن راهی که باورهای مذهبی و حتی گاه ملی جامعه ایرانی به‌سادگی از کنارش نمی‌گذرد. باری؛ گسترش روزافزون این پدیده، افزایش آمار دختران و زنان بزه‌دیده با منشأ فضای مجازی و تنافی‌ها و تلاقی‌های پیدا و پنهان کراش با مبانی فرهنگی و دینی جامعه ایرانی، کاوش در آن را از منظر حقوقی و بایسته‌ها و بنایسته‌های قانونی ضروری می‌سازد. بر اهل فن پوشیده نیست که پژوهش در این موضوع از زاویه نگاه علمی چون جرم‌شناسی، روان‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی و سیاست جنایی نیز بسیار ضروری است اما آنچه سبب تقدیم وجه حقوقی و هنجاری پژوهش بر سایر ابعاد آن شد، ورود دستگاه‌های انتظامی و قضایی به موضوع کراش و برخورد با کنشگران آن، به‌طور خاص مدیران و اداره‌کنندگان کانال‌ها و صفحات مجازی و بیم رفتارهای غیر اصولی و غیر حقوقی است.

در این نوشتار با نصب‌العین قرار دادن «اصل قانونی بودن جرم»، به بررسی میزان انطباق احتمالی رفتار کنشگران پدیده موسوم به کراش با جرایم موجود پرداخته می‌شود؛ کنشگران این پدیده عبارت‌اند از شخصی که صفحه یا کانال را در فضای مجازی ایجاد می‌کند، شخص یا اشخاصی که آن را اداره می‌نمایند، اشخاصی که پیام‌شان را برای درج در کانال یا صفحه برای مدیر یا ربات معرفی شده از سوی او می‌فرستند و در نهایت، کسانی که بنا به وظیفه یا داوطلبانه، تبلیغ کانال و صفحه و عضوگیری برای آن را برعهده دارند. گاه ایجادکننده صفحه یا کانال، مدیریت آن را نیز برعهده دارد و گاه هموست که برای صفحه یا کانال تبلیغ و عضوگیری هم می‌کند. در این پژوهش نخست رفتار کنشگران اصلی؛ یعنی اعضای کانال‌های کراش و پس از آن سایر کنشگران؛ یعنی ایجادکنندگان کانال‌ها، مدیران کانال‌ها و تبلیغ‌کنندگان کانال‌ها از جهت میزان انطباق با قوانین کیفری موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد. ذکر این نکته نیز لازم است که در سطور پیش رو به جهت رعایت اختصار، واژه «کانال» همه انواع شبکه‌ها و پیام‌رسان‌های مجازی را نمایندگی می‌کند.

## ۱- مفهوم‌شناسی کراش

«کراش» واژه‌ای انگلیسی است که نزد گویشوران این زبان گاهی اسم می‌باشد و گاهی فعل. کراش در جایگاه فعلی به معنای مغلوب ساختن، شکست دادن، ناراحت شدن، شوکه شدن، فشرده کردن یا مچاله کردن است (Oxford Dictionary, 2010: 421). معنای دیگر فعلی برای این واژه که مدنظر این نوشتار می‌باشد، داشتن حس شیفتگی، شیدایی گذرا و بیان نشده نسبت به یک شخص است؛ مرحله نخست از یک رابطه مبتنی بر شیفتگی؛ شیدایی مکتوم و سربه‌مهر. در این صورت فعل crush با حرف اضافه on همراه است؛ Having crush on someone. این واژه در جایگاه اسمی نیز حس شیفتگی گذرا و بیان نشده و گاهی ازدحام جمعیت را بیان می‌کند. گفته می‌شود مفهوم این

واژه در قرن ۱۹ میلادی، از دورهمی‌های شلوغ اجتماعی که با هدف ملاقات اشخاص جذاب برگزار می‌شده، نشأت گرفته است (Huang, dong and Zhang, 2019:3).

بدین ترتیب دو ویژگی در بسط مفهومی کراش قابل ذکر است: نخست آنکه هدف موردنظر در کراش انحصاری می‌باشد؛ بدین معنا که در یک رابطه عاشقانه واقعی برای شخص دشوار است که فردی دیگر را به‌عنوان بدل و جایگزین معشوق بپذیرد و دیگر آنکه افرادی که درگیر حالت کراش هستند، هنوز احساسات خود را در جهت نیل به هدف موردنظر بیان نکرده‌اند پس برخلاف عشق یا هر درگیری احساسی با خانواده یا دوستان نزدیک، احساس عاشقانه‌ای که فرد تجربه‌کننده کراش دارد، یک‌طرفه می‌باشد (Huang and Dong, 2018: 4-5).

با توجه به آنچه گفته شد، واضح است که لااقل وصف دوم کراش در کانال‌ها و صفحات مجازی که اخیراً بین جوانان ایرانی در حال رواج است، منتفی می‌باشد. همین ویژگی است که سبب شده در عنوان این نوشتار به جای واژه «کراش»، عبارت «پدیده موسوم به کراش» ترجیح داده شود (گرچه در متن تحقیق گاهی با قدری مسامحه گاهی خود «کراش» نیز به کار رفته است). نکته قابل ذکر دیگر اینکه در مفهوم‌شناسی کراش - همچنانکه ملاحظه شد - تأکیدی بر شیفتگی فرد به فردی از جنس مخالف نیست؛ در عمل نیز لفظ کراش برای اشاره به حس شیدایی نسبت به جنس موافق نیز استعمال می‌شود اما این مقاله صرفاً به کراش نسبت به جنس مخالف اختصاص داده شده است.

## ۲- تحلیل رفتار کُنشگران اصلی پدیده موسوم به «کراش»

کُنشگران اصلی کانال‌های کراش، اعضای این کانال‌ها هستند؛ کسانی که پیام عشق و دوستی را برای درج در کانال یا صفحه برای مدیر یا ربات معرفی شده از سوی او می‌فرستند و به انتظار واکنش محبوب و معشوق یا همان «مکروش» می‌نشینند!

نگاهی اجمالی به پیام‌های مندرج در صفحات و کانال‌های کراش، انطباق رفتار کُنشگران را با عناوین مجرمانه مزاحمت تلفنی موضوع ماده (۶۴۱) از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی، رابطه نامشروع (ماده ۶۳۷) همچنین تظاهر به عمل حرام (ماده ۶۳۸) محتمل می‌نماید. ناگفته نماند مطالعه رفتار افراد درگیر گاهی نشان از جرایم دیگری همچون توهین، افترا و افشای اسرار دارد که به جهت ملازمه نداشتن جرایم اخیر با ماهیت پدیده موسوم به کراش به آن‌ها ورودی نخواهیم داشت؛ در واقع، کراش چون از جنس رابطه انسانی است، همچون هر رابطه انسان‌محور دیگر می‌تواند بستری برای جرایم مختلفی حتی کلاهبرداری باشد، اما رسالت این نوشته صرفاً بررسی رفتار اصلی یعنی درج پیام‌هایی با مضمون دعوت از جنس مخالف برای دوستی همراه با بیان برخی ویژگی‌های آشکار یا مخفی اوست.

## ۱-۲- کراش و مزاحمت تلفنی

جرم مزاحمت تلفنی یکی از جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص می‌باشد که قانون‌گذار ماده ۶۴۱ از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی را بدان اختصاص داده است:

مزاحمت به معنای آزار و اذیت کردن، عذاب دادن، ایجاد زحمت غیر متعارف و تنگ گرفتن بر کسی می‌باشد (معین، ۱۳۸۲: ۱۴۵۲). مبنای معصیت‌انگاری مزاحمت توسط شارع نیز همین «حرمت ایدای دیگران» بوده است (حسینی و اعتمادی به نقل از شیخ کلینی، ۱۳۹۶: ۷۰).

با ملاحظه ماده ۶۴۱ و با عنایت به اصل قانونی بودن جرم، در ابتدا این پرسش‌ها به ذهن خطور می‌کند: آیا اظهار علاقه به جنس مخالف برای برقراری دوستی، نوعی مزاحمت است؟ تأثیر شناخته شدن یا ناشناخته ماندن معشوق (مکروش) در تحقق مزاحمت چیست؟ اصولاً ملاک تحقق مزاحمت چیست؟ و در نهایت به فرض آنکه رفتار همه یا برخی از مرتکبان مصداقی از مزاحمت باشد، آیا این مزاحمت از جنس «مزاحمت تلفنی» است؟

برخی بر این باورند که ملاک مزاحمت‌بار بودن یک رفتار، تلفیقی از دو معیار شخصی و نوعی است؛ یعنی افزون بر اینکه یک رفتار از نقطه نظر عرف باید مزاحمت‌بار فرض شود، لازم است موجبات اذیت، رنجش یا تکدر خاطر شخص موضوع رفتار را نیز فراهم کند (حبیب‌زاده و علی‌پور، ۱۳۹۱: ۶۶) اما به نظر می‌رسد معیار منطقی در جهت مزاحمت‌بار تلقی کردن یک رفتار - همانند موهن بودن آن - یک ملاک نوعی و تابع تشخیص عرف باشد (آقایی‌نیا، ۱۳۹۹: ۲۸۱)؛ چراکه غرض قانون‌گذار از جرم‌انگاری مزاحمت همانند جرایم توهین و تهدید، امحاء ایداء از سطح جامعه است، صرف نظر از میزان اثرگذاری آن بر مخاطبان. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که عرف، دعوت از دوستی برای جنس مخالف را قطعاً از مصداق مزاحمت می‌داند.

حال به مجهول دیگر پرداخته می‌شود؛ تأثیر شناخته شدن یا ناشناخته ماندن معشوق (مکروش) در تحقق مزاحمت. «اظهار علاقه به جنس مخالف» در کانال‌ها و صفحاتی که تعداد اعضای آن به چندین هزار نفر می‌رسد، گاه با درج مشخصات، عکس و شناسه کاربری وی، منجر به فاش شدن هویت او و انگشت‌نما شدنش در فضای حقیقی می‌شود. تردیدی نیست که در این حالت مزاحمت تحقق می‌یابد اما گاهی ابراز عشق کراش به گونه‌ای است که هویت معشوق برای دیگر اعضا و رهگذران کانال ناشناخته می‌ماند؛ کراش چنان با رمز و اشاره نشانی می‌دهد که در حالت طبیعی جز خود معشوق کسی به هویت شخص مورد نظر او پی نمی‌برد، مگر آنکه کنجکاوای کند و با کنار هم قرار دادن اطلاعات پراکنده و عملیاتی پیچیده به این کشف نایل آید! بعید است حتی در این حالت نیز نتوان به تحقق مزاحمت قائل بود. به هر صورت فضای این گونه کانال‌ها و صفحات، عمومی

است و هرکس می‌تواند در آن‌ها گشت و گذار داشته باشد. توصیه عدم ورود به این فضاها نیز صرفاً رنگ اخلاقی دارد و قادر نیست چیزی از مسئولیت متعددی به روان دیگران بکاهد.

اینک نوبت پرسش آخر است؛ آیا این قسم از مزاحمت «مزاحمت از طریق تلفن یا سایر دستگاه‌های مخابراتی» موضوع ماده ۶۴۱ می‌باشد؟

بنا بر یک نظر از آنجا که مزاحمت سایبری از طریق فضای مجازی و با ابزاری همچون شبکه‌های اجتماعی، رایانامه‌ها، وب‌نوشت‌ها و غیره به وقوع می‌پیوندد، چنین مزاحمتی متمایز از مزاحمت مخابراتی است (حاجی‌ده‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۵: ۳) و براساس یک دیدگاه دیگر، وسیله ارتکاب جرم در ماده ۶۴۱ می‌تواند حتی رایانه متصل به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۹: ۱۳۵). به نظر می‌رسد نظر دوم به صواب نزدیک‌تر باشد. در مقام استدلال باید گفت پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی چیزی جز یک «نرم‌افزار» نیستند؛ نرم‌افزاری که بر بستر شبکه اینترنت فعالیت می‌کند. از سوی دیگر دسترسی به اینترنت تنها از طریق یک دستگاه مخابراتی ممکن است. این دستگاه مخابراتی می‌تواند تلفن، انواع مودم (اعم از نوری، ADSL، مودم بی‌سیم و ...) انواع دستگاه‌های سیم‌کارت‌خور یا غیر آن باشد. نتیجه اینکه فعالیت نرم‌افزارهایی همچون تلگرام و اینستاگرام از طریق دستگاه‌های مخابراتی انجام می‌شود. به این ترتیب باید گفت قانون‌گذار با گنجاندن عبارت «سایر دستگاه‌های مخابراتی» در متن ماده ۶۴۱ کارآمدی قانون را با تحولات آتی دانش مخابرات تضمین کرده است.

با عنایت به موارد گفته شده، انتساب اتهام موضوع ماده ۶۴۱ به رفتار گُنش‌گران اصلی کانال کراش در برخی از حالات بلاوجه نخواهد بود.

## ۲-۲- کراش و رابطه نامشروع

ماده ۶۳۷ از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مستند قانونی جرم رابطه نامشروع است. اظهارنظر درخصوص امکان انطباق رفتار اعضای کانال‌ها و صفحات کراش با ماده ۶۳۷ متوقف است بر تبیین چیستی روابط نامشروع و اعمال منافی عفت.

قانون‌گذار نه در قانون مجازات اسلامی نه در سایر قوانین تعریفی از روابط نامشروع و اعمال منافی عفت ارائه نکرده است. نظرات کاربران قانون اعم از قضات، وکلا، نویسندگان و اساتید نیز در تبیین این موضوع به قدری متنوع است که می‌توان ماده ۶۳۷ را یکی از پُرچالش‌ترین مواد قانون مجازات اسلامی دانست. در واکنش به همین ابهامات و تشتت نظرات بود که اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی ۷/۳۸۸۰-۱۳۸۱/۴/۱۹ چنین بیان کرد: «رابطه نامشروع موضوع ماده ۶۳۷ در قانون تعریف نشده؛ مع‌هذا همان‌طور که از عنوان آن برمی‌آید عملی دوجانبه یعنی توافق

دو نفر (زن و مرد) اجنبی بر نوعی از روابط جنسی ناقص غیر از زنا و امثال آن است؛ بنابراین صرف مکالمه تلفنی، قدم‌زدن در پارک یا خیابان، مکاتبه و ... رابطه نامشروع به معنی یادشده به‌شمار نمی‌آید». پیداست که از دید اداره کل حقوقی قوه قضائیه رابطه‌ای نامشروع است که اولاً میان یک و زن مرد اجنبی برقرار شده باشد، ثانیاً با توافق و رضایت طرفین باشد نه با اکراه و اجبار یکی از طرفین یا هر دو؛ (همچنان‌که ذکر عبارت «زن و مرد» در صدر ماده ۶۳۷ حاکی از تأکید قانون‌گذار بر ضرورت تعامل میان زن و مرد است، نه یک‌سویه بودن آن؛ از سوی دیگر اشاره به امکان اکراه یک طرف و سلب مسئولیت از طرف اکراه‌شونده نیز بر دوطرفه بودن رفتار مجرمانه مدنظر قانون دلالت دارد). ثالثاً همراه با تماس بدنی باشد و رابعاً در حد زنا و امثال آن نباشد. البته واضح است که واژه «توافق» در این نظریه در محل خویش به‌کار نرفته و ممکن است موجب این توهم شود که رابطه نامشروع به‌صرف توافق زن و مرد بر رفتار جنسی، محقق می‌شود. نکته دیگر اینکه بهتر بود در این نظریه مقصود از واژه «اجنبی» نیز بیشتر توضیح داده می‌شد تا معلوم شود برای مثال رابطه مبتنی بر شهوت جنسی میان برادر و خواهر یا مادر و پسر یا پدر و دختر هم در محدوده تعریف روابط نامشروع قرار می‌گیرد یا خیر. با وجود این دو نقیصه، می‌توان نظریه مشورتی مذکور را مستند خوبی برای درک مفهوم «رابطه نامشروع» به‌حساب آورد. از سوی دیگر باید گفت تحقق رابطه نامشروع اختصاصی به فضای فیزیکی و واقعی ندارد، بلکه فضای مجازی هم می‌تواند میزبان این قسم از تعاملات باشد؛ نظریه مشورتی ۱۳۹۱/۱۵/۱۸-۷/۳۲۷ مؤید همین برداشت است: «..... ولی ارتباط تلفنی اینترنتی یا مجازی به این نحو در صورت وجود سایر شرایط قانونی و با توجه به عرف محل ممکن است رابطه نامشروع تلقی شود». (البته باید گفت «رابطه نامشروع» یک تأسیس شرعی محض با مختصات خاص خود است که عرف تأثیری در تحقق یا عدم تحقق آن ندارد).

اینک به تبیین «عمل منافی عفت» و نسبت آن با «رابطه نامشروع» پرداخته می‌شود تا از این رهگذر معلوم شود عبارت‌پردازی قانون‌گذار در ماده ۶۳۷ و اشاره به هر دوی آن‌ها صرفاً از سر تفتن بوده یا مقصود خاصی هم از آن داشته است.

تبصره الحاقی مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۴ به ماده ۳۰۶ قانون آئین دادرسی کیفری تنها جایی می‌باشد که قانون‌گذار «عمل منافی عفت» را تا اندازه‌ای تبیین کرده است. به‌موجب این تبصره «منظور از جرایم منافی عفت در این قانون، جرایم جنسی حدی، همچنین جرایم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است». گرچه مقنن در این تبصره بیش از اندازه جانب احتیاط را رعایت و با ذکر عبارت «در این قانون» تعریف خود را به قانون آئین دادرسی کیفری محدود کرده، باید اذعان نمود این تعریف چندان هم دور از واقعیت نیست؛ همچنانکه نظریه مشورتی ۱۳۸۶/۴/۲۵-۷/۲۶۵۷

اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز بیان متفاوتی از آن ندارد: «رابطه نامشروع و عمل منافی عفت دو مفهوم جداگانه هستند و مترادف نیستند. مفهوم عام منافی عفت شامل رابطه نامشروع هم می‌شود، ولی هر عمل منافی عفت شامل رابطه نامشروع نمی‌شود». از این رو می‌توان گفت اولاً «جرایم منافی عفت» عنوانی عام است و چندین جرم از جمله زنا و لواط را در بر می‌گیرد (خالقی، ۱۳۹۹: ۸۵). ثانیاً ذکر کلمه‌هایی چون «تقبیل» و «مضاجعه» از ضرورت تماس جسمی و فیزیکی بین زن و مرد نامحرم برای تحقق عمل منافی عفت نشان دارد. ثالثاً نسبت میان مصادیق «عمل منافی عفت» و «رابطه نامشروع» عموم و خصوص مطلق است؛ با این بیان که همه مصادیق روابط نامشروع اعم از کلامی، نوشتاری، اشاره‌ای، جسمانی و غیر آن، عمل منافی عفت نیز هستند، اما برخی از اعمال منافی عفت همچون جرایم جنسی حدی - از نظر قانون و قضا - رابطه نامشروع تلقی نمی‌شوند و تنها در دایره اعمال منافی عفت قرار می‌گیرند. نظر اکثریت قضات در سی و هشتمین جلسه نقد آرای دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران نیز مؤید همین نتایج است: «ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی دارای دو قسمت می‌باشد؛ روابط نامشروع و اعمال منافی عفت غیر از زنا. وجود قیودی چون تقبیل و مضاجعه تمثیلی برای قسمت دوم این ماده محسوب می‌شود» (به نقل از جوانمرد، ۱۳۹۵: ۳۱).

با عنایت به آنچه بیان شد، می‌توان به این نتیجه رسید که صرف ابراز عشق و علاقه یک‌سویه و بی‌پاسخ نمی‌تواند مصادیقی از «روابط نامشروع یا اعمال منافی عفت» مذکور در ماده ۶۳۷ باشد اما تعامل دو عضو کانال‌ها و صفحات کرّاش که میان آن‌ها علقه زوجیت برقرار نیست، به شرط داشتن تظاهرات جنسی می‌تواند از مصادیق رابطه نامشروع موضوع ماده مذکور باشد. در خصوص سایر اعمال منافی عفت (غیر از روابط نامشروع) نیز با توجه به فضای گفتمانی کانال‌ها و صفحات و فلسفه کرّاش - که صرفاً بیان عشق مکتوم است - ارتکاب این اعمال بعید می‌باشد، گرچه نمی‌توان به محال بودن آن‌ها حکم داد؛ قبلاً نیز گفتیم ممکن است جرایم دیگری همچون توهین و افترا را هم در تعامل میان دو نفر تصور کرد، اما این جرایم در ذات پدیده موسوم به کرّاش نبوده و از موضوع این پژوهش خارج می‌باشند.

## ۲-۳- کرّاش و تظاهر به فعل حرام

ماده ۶۳۸ از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی در مقام جرم‌انگاری دو گروه از اعمال است که در انظار و اماکن عمومی و معابر ارتکاب می‌یابند؛ قسمت نخست ماده بیانگر حکم عمل حرامی می‌باشد که در قانون واجد کیفر مشخص است و قسمت دوم آن متضمن عمل حرامی می‌باشد که کیفر معین ندارد، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند. ارتکاب فعل حرامی که دارای کیفر نباشد



یا عفت عمومی را جریحه‌دار نکند، طبق این ماده جرم به‌شمار نمی‌آید. نظریه مشورتی ۷/۲۵۳۰-۱۳۷۲/۹/۱۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز مؤید همین معناست.

حال باید دید رفتار اصلی اعضای کانال‌های کراش؛ یعنی درج پیام‌های عاشقانه و تقاضای دوستی با جنس مخالف، شرعاً حرام است یا خیر و اگر حرام می‌باشد با رفتار مجرمانه کدام قسمت از ماده مذکور منطبق است و در فرض انطباق با ماده مذکور، سایر شرایط تحقق این بزه برای انتساب اتهام کیفری ماده ۶۳۸ بر رفتار اعضا وجود دارد یا خیر.

مراجع معظم تقلید درخصوص تعامل با نامحرم، نظرات مشابهی دارند: هرگونه صحبت و رابطه غیرکلامی زن و مرد نامحرم که موجب ریه یا تلذذ یا فساد باشد، حرام است و باید از آن اجتناب کرد (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۹۲-۱۹۱؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۷: ۵۰۹). تلذذ از منظر فقهی، لذت بردن از نامحرم را گویند و مراد از لذت نیز لذت شهوانی و جنسی است (زنجانی، ۱۴۱۹ق: ۲۱۳). بدین ترتیب باید گفت تلذذ نامحرم از یکدیگر محدود به مواقعه نمی‌شود، بلکه مطلق استمتاع را در بر می‌گیرد. ریه را نیز فقها چنین تبیین کرده‌اند: حالتی که انسان را در شک و اضطراب بیندازد و بترسد که در حرام بیفتد (اصفهانی، ۱۴۱۶: ۲۳). پیداست که فقه درخصوص ارتباط زن و مرد نامحرم نگاه پیشگیرانه داشته و ارتباط این دو را نه لزوماً برای خود ارتباط بلکه به دلیل اثر طبیعی آن معصیت‌انگاری کرده است.

با عنایت به آنچه بیان شد، حرمت دوستی دختر و پسر نامحرم و همچنین حرمت ابراز علاقه یا دعوت از نامحرم برای برقراری دوستی به استناد نظر فقها اثبات می‌شود (محمودی، ۱۳۹۲: ۷۳؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۲: ۲۲۹)، این رفتار گرچه به رفتار مجرمانه در ماده ۶۱۹ از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی بسیار شبیه است، از آنجا که شرط تحقق آن ماده یعنی وقوع رفتار مجرمانه «در اماکن عمومی یا معابر» را ندارد، نمی‌تواند تحت شمول آن قرار گیرد. جستجو در قوانین کیفری مستند قانونی دیگری نیز برای قابل کیفر بودن رفتار اعضای کراش به‌دست نمی‌دهد؛ پس نمی‌توان قائل به تسری قسمت نخست ماده ۶۳۸ بر رفتار ایشان بود.

حال نوبت به بررسی شرایط قسمت اخیر ماده ۶۳۸ می‌رسد؛ عمل حرامی که کیفر قانونی ندارد، اما عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند. آنچه در این قسمت، پرداختن به آن بسیار ضروری می‌نماید؛ تعریفی دقیق و اصولی از «عفت عمومی» است؛ چراکه این ترکیب نه در فقه اسلامی، نه در قانون تعریف نشده است. واژه «عفت» خود دارای مفهوم عام و خاص می‌باشد. عفت در مفهوم عام، هرگونه خودکنترلی و خویش‌داری در مقابل تمایلات افراطی و نفسانی را شامل می‌شود و در مفهوم خاص، متضمن هرگونه خویش‌داری در برابر بی‌بندوباری جنسی است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۸۳). با

بذل توجه به موارد گفته شده می‌توان گفت دوستی و دعوت به دوستی با جنس مخالف، مغایر با عفت عمومی می‌باشد؛ چراکه رفتارهای منافی عفت به رفتارهای منافی حیای جنسی گفته می‌شود و رفتارهای مذکور نیز واجد چنین شرطی هستند.

پس از بحث در مورد رفتار مجرمانه در دو شق ماده ۶۳۸ اینک نوبت به بررسی مهم‌ترین شرط تحقق جرم در این ماده می‌رسد؛ یعنی ارتکاب جرم «علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر». از نقطه نظر قوانین جزایی علنی محسوب شدن جرم منوط است به حصول یکی از این دو شرط: ارتکاب جرم در حضور شخص ثالث یا معد بودن محل ارتکاب جرم برای حضور اشخاصی دیگر ولو اینکه در آن لحظه هیچ‌کس آنجا حضور نداشته باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۹: ۹۶). پس باید نتیجه گرفت کارکرد عبارت «در انظار و اماکن عمومی و معابر» در واقع، توضیح واژه «علناً» است. حال به‌راستی آیا ارتکاب یک رفتار در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی مصداقی از رفتار در انظار و اماکن عمومی می‌باشد؟ تسری این ماده بر فضای مجازی منوط به امکان گسترش یکی از مفاهیم «انظار»، «اماکن عمومی» و «معابر» بر فضای مجازی است. کمی بعد در مورد امکان کاربرد واژه «مکان» برای چنین فضایی بحث و بیان خواهد شد که فهم و برداشت عرف فارسی‌زبانان آن را تاب نمی‌آورد، اما در مجموع می‌توان گفت مقصود قانون‌گذار از عبارت «در انظار و اماکن عمومی و معابر»، امکان دیده شدن آن توسط عموم مردم است، نه چیز دیگری. بدین ترتیب با توجه به امکان رؤیت رفتار اعضای کانال‌ها و صفحات کرش توسط عموم مردم شمول شق دوم ماده ۶۳۸ بر آن بلاوجه نیست. اصولاً باید گفت برقراری امکان رؤیت پیام‌ها برای هر رهگذر فضای مجازی، با فلسفه وجودی این کانال‌ها و صفحات گره‌خورده است؛ از آن جهت که گذارنده پیام هر لحظه منتظر ورود و پیوستن معشوق خویش به جمع اعضا و دنبال‌کنندگان یا لاقبل بازدیدکنندگان آن و اطلاع از عشق ابراز شده اوست؛ بدین ترتیب و از آنجا که در چنین کانال‌هایی تعداد زیادی از جوانان بدون هرگونه محدودیتی عضو هستند و حتی بدون پیوستن و عضویت نیز قادر به رؤیت محتوای پیام‌های درج شده می‌باشند، باید گفت عمل واقع شده در منظر عموم است و با اجتماع سایر شرایط، انتساب اتهام قسمت دوم از صدر ماده ۶۳۸ به اعضای کانال‌های کرش بلاوجه نخواهد بود.

### ۳- تحلیل رفتار سایر کُنشگران پدیده موسوم به «کرش»

علی‌القاعده کُنشگران اصلی کانال‌های کرش، اعضا یا همان «کرشرها» هستند؛ از این رو این نوشته هم بر مطالعه جرایم مرتبط با رفتار ایشان بنا شده است اما همچنانکه گفته شد، در کنار ایشان نباید از نقش ایجادکننده (گان)، مدیر (ان) و تبلیغ‌کننده (گان) این کانال‌ها هم غافل شد.

### ۳-۱- تحلیل رفتار ایجادکنندگان کانال‌های کراش

در مقام تبیین مسئولیت کیفری ایجادکنندگان (تأسیس‌کنندگان) کانال‌های کراش فرض‌های مختلفی به ذهن خطور می‌کند. مباشرت در دایر کردن مرکز فساد و فحشا و فراهم کردن موجبات آن (موضوع ماده ۶۳۹ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی) و معاونت در جرایم کُشگران اصلی یا مسئولیت نیابتی ایشان.

#### ۳-۱-۱- ایجادکننده کانال و دایر کردن مرکز فساد و فحشا

«فساد» و «فحشاء» واژگانی برآمده از فقه جزایی اسلام است که بر برخی رفتارهای حرام و قابل مجازات گفته می‌شود. ماده ۶۳۹ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی از جمله مواد قانونی است که با تصریح به این دو عنوان، برخی از رفتارهای مرتبط را جرم‌انگاری کرده است. امکان‌سنجی انطباق ماده ۶۳۹ بر رفتار ایجادکنندگان کانال‌های کراش در گرو پاسخگویی به این پرسش محوری می‌باشد که آیا رفتار اعضای کانال‌های کراش مصداقی از فساد یا فحشاء است؟ اگر چنین باشد نوبت به طرح این پرسش خواهد رسید که آیا شبکه‌های اجتماعی مصداقی از «مرکز» موضوع ماده ۶۳۹ هستند یا خیر؟ و طبعاً اگر پاسخ به پرسش نخست مثبت باشد، راه برای محکومیت مدیران و تبلیغ‌کنندگان این کانال‌ها که دیگران را به عضویت در آن‌ها فرا می‌خوانند، به اتهام «تشویق به فساد یا فحشا یا فراهم کردن موجبات آن» هموار خواهد بود.

تبیین مقصود قانون از «فساد یا فحشا» گام نخست است. از آنجا که جرم مورد بحث، تعزیری است و مستقیماً برخاسته از متون شرعی و فقهی نمی‌باشد، شایسته است برای فهم بهتر غرض قانون‌گذار، در ابتدا به معانی این دو واژه در زبان فارسی بپردازیم.

فساد در فرهنگ لغت فارسی دامنه معنایی نسبتاً وسیعی دارد: «ضد صلاح، لهو و لعب، شرارت و بدکاری و خرابی» (معین، ۱۳۸۲، ۱۰۸۴-۱۰۸۵) فحشا نیز به «گناه، کار زشت و زنا» تعبیر شده است (معین، ۱۳۸۲: ۱۰۶۵). از سوی دیگر همنشینی واژه فساد با واژه فحشا آن را به فساد جنسی محدود می‌کند. اکثریت قضات حاضر در نشست قضایی مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۰ نیز بر این نظر بوده‌اند که «منظور از فساد و فحشا با توجه به سیاق ماده فقط جرایم جنسی است و سایر مصادیق فساد را شامل نمی‌شود».

حال باید دید رفتار اعضای کانال‌های کراش (بیان ویژگی‌های ظاهری، اظهار علاقه و در نهایت درخواست دوستی) مصداقی از فساد یا فحشاء است یا خیر. باید گفت دوستی میان دو فرد نامحرم از دو جنس مخالف قطعاً با آموزه‌های دینی و ارزش‌های اسلامی حاکم بر جامعه ما ناسازگار است.

در قرآن کریم به دوست از جنس مخالف «خدن» گفته شده و با عبارات «لا تُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ»<sup>۱</sup> و «لَا تُتَّخِذِي أَخْدَانٍ»<sup>۲</sup> دوستی با جنس مخالف نهی شده است؛ چراکه معصیتی می‌باشد که در بدترین وضعیت «می‌تواند» به فساد و فحشا منتهی شود. در نهایت حتی با نگاهی سخت‌گیرانه رفتار این افراد نه فساد یا فحشا، بلکه مقدمه آن است و از این رو از این حیث، رفتار ایجادکنندگان صفحات کانال‌های کراش بر بند «الف» ماده ۶۳۹ منطبق نیست.

مانع دیگر برای انطباق بند «الف» بر رفتار این افراد، عدم امکان تلبس صفحات و کانال‌های فضای مجازی به عنوان «مرکز» می‌باشد. ممکن است بتوان نبود فضای مجازی در زمان تصویب ماده ۶۳۹ تعزیرات (سال ۱۳۷۵) را عذر قانون‌گذار برای اشاره نکردن به آن دانست و با تمرکز بر دفاع از حقوق اجتماع موارد ذکر شده را مصداق «مرکز» محسوب کرد اما قرآن متعددی که در ماده موجود است، مانع از تسری می‌شود؛ کلمه «محل» و عبارت «بستن موقت» دلالت بر فیزیکی بودن مرکز فساد یا فحشا دارد؛ علاوه بر آن باید به رسالت اصلی حقوق کیفری؛ یعنی حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی پایبند بود؛ حتی در مقام تردید نیز احتیاط اقتضا دارد در این جرم «حق‌اللهی»، کفه ترازو به نفع برائت متهمان سنگینی کند (ساداتی، ۱۳۹۵: ۱۱۷).

نتیجه اینکه با بذل نظر به موارد گفته شده، نمی‌توان ایجادکنندگان کانال کراش را بر پایه بند «الف» یا قسمت دوم بند «ب» ماده ۶۳۹ مجازات کرد.

### ۳-۱-۲- مسئولیت ایجادکننده کانال در خصوص جرایم اعضا

با توجه به آنچه در تحلیل رفتار اعضا (کُنشگران اصلی) کانال‌های کراش گفته شد، می‌توان به این نتیجه رسید که ایجادکنندگان که بستر ارتکاب جرایم رابطه نامشروع (ماده ۶۳۷) و تظاهر به فعل حرام (ماده ۶۳۸) را فراهم می‌کنند، طبق بندهای «ب» و «پ» ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی به‌عنوان معاون جرایم مذکور قابل مجازات هستند. شایسته ذکر است که در غالب موارد، ایجادکنندگان کانال برای مدیریت ارتباط با اعضا و البته مخفی کردن حداکثری رد پای خویش، نرم‌افزارها (ربات‌هایی) را به کار می‌گیرند. ربات، شناسه‌ای را برای تعامل با اعضا اختصاص می‌دهد و پیام‌ها به ربات فرستاده می‌شود. باید گفت در اختیار گذاشتن این ربات‌ها نیز مصداقی از «تسهیل ارتکاب جرم» یا «تهیه وسایل ارتکاب جرم» می‌باشد.

۱. آیه بیست و پنجم از سوره نساء

۲. آیه پنجم از سوره مائده

در خصوص مسئولیت ایجادکننده کانال، ممکن است مسئولیت نیابتی وی نیز به ذهن برسد. بنا به ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی ممکن است چنین به نظر برسد که مسئولیت کیفری ایجادکنندگان می‌تواند از نوعی مسئولیت نیابتی به نیابت از اعضا باشد؛ مشابه همان مسئولیتی که در مسئولیت مدیران مسئول مطبوعات سراغ داریم؛ مسئولیت ناشی از فعل غیر. این بخش از نوشتار به بررسی امکان‌سنجی این نوع از مسئولیت برای ایجادکنندگان کانال‌های کراش اختصاص می‌یابد. ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی برای احراز مسئولیت نیابتی وجود یکی از دو شرط را لازم می‌داند: شخص به‌طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود. به عبارتی این قسم از مسئولیت مبتنی بر نیابت است، گویی فردی به نیابت از دیگری برای شخص دوم ایجاد مسئولیت می‌کند (الهام و برهانی، ۱۳۹۸: ۲۷۷). این درحالی است که در خصوص شرط نخست باید گفت که تکلیفی شبیه آنچه در مورد مدیران مسئول نشریات وجود دارد، در هیچ قانونی بر دوش ایجادکنندگان کانال‌ها و صفحات فضای مجازی قرار نگرفته است و با فقدان شرط اول، شرط دوم نیز سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود. از سوی دیگر شخصی را می‌توان به موجب مسئولیت نیابتی، مسئول دانست که در ارتکاب جرم، عنوان معاون یا مباشر را بر خود بار نکرده باشد و او را صرفاً به دلیل اعمال مجرمانه دیگران، بتوان به پذیرش مجازات مجبور کرد (داچک، ۱۳۹۸: ۴۹). این درحالی است که همان‌طور که پیش‌تر ذکر آن گذشت، ایجادکنندگان بنا به بندهای «ب» و «پ» ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی معاون در جرم اعضا محسوب می‌شوند. نتیجه اینکه فعالیت ایجادکنندگان کانال‌های کراش، فاقد اوصاف لازم برای انطباق با ماده ۱۴۲ و مسئولیت نیابتی است.

### ۳-۲- تحلیل رفتار مدیران کانال‌های کراش

وظیفه مدیران، اداره کانال‌ها (نشر پیام‌های اعضا که یا مستقیم به خود مدیر یا به ربات فرستاده می‌شود و پاسخگویی به سؤالات اعضا) می‌باشد. در تحلیل رفتار مدیران کانال‌های کراش احتمالات مختلفی قابل بررسی است: مباشرت در اداره مرکز فساد و فحشا یا فراهم کردن موجبات آن (موضوع ماده ۶۳۹) و - در خصوص جرایم اعضا - معاونت، مسئولیت نیابتی و سردستگی گروه مجرمانه. در ادامه درستی یا نادرستی هریک از این احتمالات بررسی می‌شود.

### ۳-۲-۱- مدیر کانال و اداره مرکز فساد و فحشا یا فراهم کردن موجبات آن

در بخش قبل از عدم امکان تلبس «مکان» بر فضای مجازی صحبت به میان رفت. اینک نوبت به امکان‌سنجی انطباق بند «ب» ماده ۶۳۹ بر رفتار مدیران می‌رسد.

با عنایت به آنچه در خصوص رفتار اعضای کانال گفته شد، می‌توان ماهیت رفتار ایشان را «مقدمه فساد یا فحشا» دانست؛ از این رو امکان انطباق بند «ب» ماده ۶۳۹ بر مدیران این کانال‌ها و صفحات نیز وجود ندارد؛ برابر اصل قانونی بودن جرم آنچه در این بند متصف به وصف مجرمانه شده «تشویق به فساد یا فحشا یا فراهم کردن موجبات آن» است، نه تشویق به مقدمات فساد یا فحشا یا فراهم کردن موجبات مقدمات آن. اگر قرار باشد سلسله علل وجودی یک جرم نیز قابل کیفر باشد، دیگر اصل قانونی بودن جرم بی‌معنا خواهد بود؛ بدین خاطر که بسیاری از رفتارهای انسانی می‌تواند موجد و موجب رفتارهای دیگر و آن رفتارها نیز به نوبه خود ایجادکننده رفتارهای دیگر باشد تا پایان... در آن صورت اثری از حقوق و آزادی‌های فردی باقی نخواهد ماند.

### ۳-۲-۲- مسئولیت مدیر کانال در خصوص جرایم اعضا

مدیران کانال را نمی‌توان شریک در جرم اعضا دانست؛ چراکه از سویی رابطه نامشروع قابلیت مشارکت ندارد و از سوی دیگر در تظاهر به فعل حرام (دعوت به دوستی) نیز این جرم منتسب به مدیر نیست؛ زیرا که او صرفاً به پیغام‌رسانی مبادرت می‌ورزد اما رفتار آن‌ها قطعاً مصداقی از بند «پ» ماده ۱۲۶ (تسهیل در وقوع جرم) و لذا معاونت در جرم اعضاست. از سوی دیگر بنا به همان دلایلی که در مورد ایجادکنندگان کانال‌ها گفته شد، مدیران کانال‌ها نیز از شمول ماده ۱۴۲ و مسئولیت نیابتی خارج هستند.

اما وقتی سخن از یک کانال با صدها یا هزاران عضو و یک یا چند مدیر به میان می‌آید، احتمال صدق عنوان «سردستگی گروه مجرمانه» بر مدیر یا مدیران دور از ذهن نخواهد بود. در ادامه میزان تحقق این قسم از مسئولیت برای مدیران کانال‌های کرّاش بررسی می‌شود. مستند به تبصره ۱ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد» و بنا به تبصره ۲ آن ماده «سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است».

واژه «منسجم» به نظام‌مند (معین، ۱۳۸۲: ۲۳۰۵) ساختاریافته، هماهنگ و دارای استواری تعبیر شده است (انوری، ۱۳۸۲: ۲۳۰۵). گروه منسجم از نظر عرف گروهی است که اعضا با همدیگر همبستگی دارند؛ اعضا برای تعامل به یکدیگر نیازمندند و این نیازمندی به سبب وجود نوعی مسئولیت متقابل بین اعضای گروه است (شاکری و قلی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۰۶). گرچه برخی شرط انسجام گروه را ورود اعضا با نیت واحد و گام برداشتن برای تحقق آرمان و هدف مشترک می‌دانند (حبیبی تبار و حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۹: ۴۴). با لحاظ واژه انسجام که معادل هم‌گرا و در تقابل با واژه

واگراست، می‌توان به گروهی «منسجم» گفت که روابط اعضای آن چندسویه، به‌هم‌پیوسته و مبتنی بر تعهد و همکاری درون‌گروهی است و اعضا در پی تحقق آرمان و هدف گروه گام برمی‌دارند. در مقام دفاع از این نظر، باید بگوییم انگیزه و هدف از ورود به گروه یک متغیر شخصی است و نمی‌تواند ملاک تشخیص گروه منسجم باشد؛ گاه افراد با انگیزه‌های متعدد ولی هم‌پیمان با یکدیگر در فعالیت‌های مشترک مجرمانه گام برمی‌دارند و اتفاقاً هدف مقنن از پیش‌بینی ماده مذکور نیز سرکوب همین انتلافات جنایی است که بر شدت و خطر جرم می‌افزاید؛ به‌بیانی دیگر، ممکن است گروهی با هدف غیر مجرمانه تشکیل شده و بعد از آن، به سمت ارتکاب جرم سوق یابد و مشمول ماده ۱۳۰ قرار بگیرد (الهام و برهانی، ۱۳۹۸: ۲۵۲)؛ بنابراین وجود هدف در بدو تشکیل و ورود به گروه مجرمانه مدخلیتی ندارد.

با توجه به آنچه گفته شد، به‌نظر می‌رسد کانال کراش دارای وصف «منسجم» است؛ چراکه نوعی تعامل و هم‌بستگی ناشی از نیازمندی به یکدیگر در رفتار کُنشگران به‌چشم می‌خورد؛ کراش‌ها برای انتقال حس خود به معشوق، به همکاری مدیر کانال برای نشر آن نیازمند هستند و مدیر هم برای سرپا نگه داشتن کانال، به پیام‌های اعضا.

حال نوبت به بررسی شرط دیگر ماده ۱۳۰ است؛ این تعهد و تعامل متقابل که ذکر آن به میان رفت، بین دست‌کم سه نفر وجود دارد یا خیر؟ باید گفت کانال کراش، دربردارنده طیفی از روابط و تعاملات «دو نفره» است؛ مدیر با عضو و دو عضو با یکدیگر. برای تقریب به ذهن، مثالی می‌آوریم؛ اگر کانال کراش را همچون یک آدم‌کش حرفه‌ای در نظر بگیریم که افراد مختلف به او مراجعه کرده و سفارش قتل می‌دهند، در این صورت صرفاً مجموعه‌ای از روابط دو نفره داریم؛ مدیر با قاتل و مدیر با سفارش‌دهنده قتل. در مورد مدیر کانال کراش نیز همین حالت صادق است؛ کراش با مدیر و مکروش (معشوق) با مدیر. پس می‌توان به این نتیجه رسید که در این کانال‌ها - علی‌الاصول - گروه سه نفره منسجم و در تعامل با یکدیگر شکل نمی‌گیرد. بدین ترتیب باید گفت تسری عنوان «سردستگی» بر مدیر کانال کراش، سالبه به انتفاء موضوع است.

### ۳-۳- تحلیل رفتار تبلیغ‌کنندگان کانال‌های کراش

با توجه به مجموع مطالبی که درباره ایجادکنندگان و مدیران کانال‌های کراش گفته شد، محکومیت تبلیغ‌کنندگان کانال‌های کراش به جرم موضوع بند «ب» ماده ۶۳۹ (تشویق به فساد و فحشا) سالبه به انتفاء موضوع و فاقد جاهت قانونی است، اما با لحاظ آنچه در تحلیل رفتار اعضا (کُنشگران اصلی) کانال‌های کراش گفته شد، می‌توان به این نتیجه رسید که تبلیغ‌کنندگان کانال‌های کراش که دیگران را به عضویت و فعالیت در کانال‌های موسوم به کراش و ارتکاب جرایم رابطه و

مزاحمت تلفنی (ماده ۶۴۱)، نامشروع (ماده ۶۳۷) و تظاهر به فعل حرام (ماده ۶۳۸) «ترغیب» می‌کنند، طبق بند «الف» ماده ۱۲۶ به‌عنوان معاون جرایم مذکور قابل مجازات هستند.

#### نتیجه‌گیری

نویسندگان در این پژوهش با پاسداشت «اصل قانونی بودن جرم» و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران به این نتیجه رسیده‌اند که رفتار کُنشگران کانال‌ها و صفحات مجازی موسوم به «کراش» و «کراش‌یاب» اعم از ایجادکنندگان، مدیران، اعضا و تبلیغ‌کنندگان می‌تواند با اجتماع همه شرایط، حسب مورد مصداقی برای برخی از عناوین مجرمانه باشد. این جرایم عبارت‌اند از مزاحمت تلفنی و تظاهر به فعل حرام (موضوع مواد ۶۴۱ و ۶۳۸ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی) اما با وجود برخی اقتران‌ها نمی‌توان این رفتارها را مصادیقی برای «رابطه نامشروع و اعمال منافی عفت»، «ایجاد و اداره مرکز فساد و فحشاء و تشویق به آن»، «سردستگی گروه مجرمانه» و «مسئولیت نیابتی» (موضوع مواد ۶۳۷ و ۶۳۹ کتاب تعزیرات و ۱۳۰ و ۱۴۲ آن قانون) دانست. همچنین ایجادکنندگان، مدیران و تبلیغ‌کنندگان این صفحات و کانال‌ها - با اجتماع همه شرایط قانونی - به‌عنوان معاون جرایم مذکور قابل تعقیب کیفری هستند.

گزاره‌های مذکور که با تعمق و غور در رفتار کُنشگران کانال‌ها و صفحات موسوم به کراش حاصل شده است، می‌تواند پیش‌روی متولیان نظم و امنیت اخلاقی جامعه و دستگاه عدالت قرار گیرد تا نویدبخش جامعه‌ای سالم و معنوی با تأکید بر حفظ حقوق و آزادی‌های شهروندی باشد.



## منابع

## فارسی

- قران کریم
- آقای‌نیا، حسین، (۱۳۹۹)، جرایم علیه اشخاص: حقوق کیفری اختصاصی (شخصیت معنوی)، چاپ یازدهم، تهران: نشر میزان.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ پنجاهم، تهران: نشر میزان.
- اصفهانی، محمدبن حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام والابهام عن قواعد الاحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۸)، درآمدی بر حقوق جزای عمومی: جرم و مجرم، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.
- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۸)، درآمدی بر حقوق جزای عمومی: واکنش در برابر جرم، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.
- انوری، حسن (۱۳۸۲)، فرهنگ فشرده سخن، تهران: انتشارات سخن.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۵)، «رویه‌های قضایی و نظریه‌های مشورتی پیرامون جرم رابطه نامشروع»، رویه قضایی (حقوق کیفری)، سال اول، شماره ۱. قابل بازیابی از: <https://rgh.ujss.ac.ir/article-1-95-fa.pdf>
- حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی و سلیمی، احسان (۱۳۹۵)، «جرایم مزاحمت محور در فضای سایبر؛ ازگونه‌شناسی تا راهبردهای مقابله‌ای»، اولین همایش ملی رویارویی با جرایم سایبری، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- حبیب‌زاده، محمد جعفر و علی‌پور، عادل (۱۳۹۱)، «تحلیل جرم ایجاد مزاحمت تلفنی»، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۳، شماره ۸۳، قابل بازیابی از: [https://jol.guilan.ac.ir/article\\_619.html](https://jol.guilan.ac.ir/article_619.html)
- حبیبی‌تبار، محمود و حاجی‌ده‌آبادی (۱۳۹۹)، «سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته در جرایم تعزیری»، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، دوره ۱۳، شماره ۴۸، قابل بازیابی از: [https://journals.iaui.ac.ir/article\\_668945.html](https://journals.iaui.ac.ir/article_668945.html)
- حسینی، سید محمد و اعتمادی، امیر (۱۳۹۶)، «مزاحمت؛ تهاجمی علیه تمامیت معنوی اشخاص، در نظام‌های کیفری ایران و انگلستان»، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱۰۸، قابل بازیابی از: [http://law.mofidu.ac.ir/article\\_30710.html](http://law.mofidu.ac.ir/article_30710.html)
- حسینی، سید مجتبی (۱۳۸۴)، رساله دانشجویی مطابق با نظر ده تن از مراجع عظام، چاپ اول، انتشارات دفتر نشر معارف.
- خالقی، علی (۱۳۹۹)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ چهل و یک، تهران: انتشارات شهر دانش.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲)، استفتائات، (مترجم: احمد رضا حسینی)، تهران: انتشارات بین‌المللی المهدی.
- داچک، هادی (۱۳۹۸)، «مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر»، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، شماره چهل و چهار، قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/411569>
- ساداتی، سید محمد مهدی (۱۳۹۵)، «شرایط اعمال قاعده دراد در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره چهارده، قابل بازیابی از: [https://feqh.semnan.ac.ir/article\\_1950.html](https://feqh.semnan.ac.ir/article_1950.html)

- شاکری، ابوالحسن و قلی‌زاده، بهروز (۱۳۹۷)، «سردستگی در حقوق کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۲، شماره ۱۰۳، قابل‌بازیابی از؛ [http://www.jlj.ir/article\\_33932.html](http://www.jlj.ir/article_33932.html)
- شبیری زنجان، سید موسی (۱۴۱۹ق)، کتاب نکاح، جلد بیست و پنجم، قم: مؤسسه پژوهشی رای‌پرداز.
- محمودی، سید محسن (۱۳۹۲)، مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید، جلد پنجم، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی صاحب‌الزمان.
- معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ معین (یک جلدی فارسی)، تهران: نشر زرین.
- معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی معین، چاپ اول، جلد دوم و سوم، تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، اخلاق در قرآن: فروع مسائل اخلاقی، چاپ سوم، قم: مدرسه الامام علی‌بن-ایبیطالب.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۹)، حقوق کیفری (۳)؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۹)، حقوق کیفری اختصاصی (۴)؛ جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص، جلد چهارم، چاپ اول، تهران: نشر میزان

#### پایگاه‌های اطلاع‌رسانی

- دستور (پایگاه اطلاعات قوانین و مقررات کشور) به نشانی: <http://www.dastour.ir>
- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران به نشانی: <http://www.rrk.ir>
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به نشانی: <https://rc.majlis.ir>
- سامانه ملی قوانین و مقررات کشور به نشانی: <http://www.qavanin.ir>
- اداره کل حقوقی قوه قضائیه به نشانی: <https://edarehoquqy.eadl.ir>
- دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب به نشانی: <https://khamenei.ir>

#### انگلیسی

- Dictionary, O. E. (2010), Oxford English Dictionary. Angus, Stevenson, USA.
- Hung, x., Dong, P., (2019), Romantic Crushes Promote Variety Seeking Behavior, Journal of Consumer psychology. Vol. 29. No. <https://doi.org/10.1002/jcpy.1070>
- Huang, x., Dong, p., Zhuang, M., (2018), Crush on You: Romantic Crushes Increase Consumers' Preferences for Strong Sensory Stimuli, Journal of Consumer, Research, Oxford University Press. Vol. 46, no. 1. <https://doi.org/10.1093/jcr/ucy053>
- <https://www.lexico.com/definition/crush>
- <https://www.merriam-webster.com/thesaurus/crush>